

امر مسلط و سیاست مقاومت: برساخت گفتمانی هویت اجتماعی در
کشاکش متون نهادی و تجربه زیسته
(مطالعه‌ای درباب جوانان شهر سنندج)

مسعود بیننده،^۱ جهانگیر محمودی^۲

(تاریخ دریافت ۹۷/۰۱/۲۴، تاریخ پذیرش ۹۷/۱۰/۲۴)

چکیده

در پژوهش حاضر، نحوه مواجهه جوانان با گفتمان هویتی حاکم و شیوه‌های مقاومت، مذاکره یا موافقت آنان با این گفتمان، درعین دسترسی به گفتمان‌های دیگر، مطالعه می‌شود. به این منظور، از حوزه‌های نظری مرتبط با مطالعات فرهنگی و برساخت‌گرایی در چارچوب نظریه تحلیل گفتمان استفاده شده است. چارچوب نظری پژوهش از ترکیب نظری رویکرد لکلانو و موفه درباب سلطه و گفتمان و الگوی رمزگذاری و رمزگشایی استوارت هال به دست آمده است. در این پژوهش، از روش‌شناسی تحلیل گفتمان استفاده شده است. در ابتدا، با ۳۸ نفر از جوانان شهر سنندج مصاحبه عمیق و نیمه‌ساخت‌یافته به عمل آمد. سپس، متون فراهم‌آمده از مصاحبه درمقایسه با متون گفتمان هویت رسمی، که در قالب «منشور تربیتی نسل جوان» بازنمایی شده است، قرار گرفت و پیوندها و منازعه‌های گفتمانی آنها تحلیل شد. مطابق یافته‌های تحقیق، عرصه نظم هویتی جوانان کانون منازعه و رقابت فرادستی گفتمان‌های متنوعی است که هرکدام برطبق موقعیت گفتمانی خود برای فراخوانی جوانان و برساخت هویت آنها می‌کوشند. در این میان، گفتمان‌های مخالف و معارض گفتمان هویتی مسلط (اصول‌گرایی در چارچوب انقلاب اسلامی)، بیشترین حضور و تأثیر را در تکوین هویت

۱. هیات علمی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول)
masoud.binandeh@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد دانشگاه کردستان

اجتماعی جوانان شهر سنندج در ابعاد سه‌گانه ملی، قومی و مذهبی داشته‌اند. سرانجام اینکه، ناسازگاری الگوی هویتی رسمی با خواسته‌ها و موقعیت جوانان بحران هویت و ناکارآمدی را به‌دنبال داشته است.

واژگان کلیدی: هویت اجتماعی، جوانان، برساخت گفتمانی، سلطه، متون نهادی، مقاومت.

مقدمه و طرح مسئله

تاریخ معاصر ایران، به‌شکل خارق‌العاده‌ای، با پرسش هویت، گفتمان‌های هویت، بحران هویت، هویت بیگانه، هویت خودی و... هم‌نهاد و عجین شده است. این آمیختگی چنان است که می‌توان همه فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی را، اعم از مدرنیزاسیون، توسعه، مشروطه‌خواهی، قیام‌های اجتماعی، انقلاب اسلامی و...، حول محور هویت (پرسش از هویت) دوباره صورت‌بندی کرد. بحث اصلی پژوهش حاضر، نوع برساخت گفتمانی دولتی-رسمی از پدیده هویت اجتماعی و مواجهه و منازعه جوانان با این قرائت رسمی و نوع قرائت آنها از مسئله هویت اجتماعی است؛ بنابراین، پژوهش حاضر، با درنظرگرفتن اهمیت مسئله هویت در ایران، منازعه گفتمان‌های هویتی در نظم گفتمانی موجود را تحلیل و نحوه برساخت گفتمانی هویت جوانان شهر سنندج را در فرآیند مواجهه با گفتمان هویتی حاکم تبیین می‌کند.

به‌لحاظ نظری، مسئله‌مند شدن، هویت که همواره بحث بحران هویت نیز در خلال آن مطرح بوده است، طی فرآیندهایی همچون چندبعدی‌شدن هویت، سیال‌شدن هویت، جهانی/محلی‌شدن هویت، سیاسی‌شدن هویت و... رخ داده و اثرهای مهمی بر کنش‌های فردی و اجتماعی افراد جامعه بر جای گذاشته است. تقسیم‌بندی‌ها، کشمکش‌ها و منازعات و نیز همکاری‌ها و هم‌بستگی‌های افراد و گروه‌ها در قالب این ساختارهای جدید هویتی شکل گرفته و مبنای جامعه جدید بر مدار آن شکل گرفته است. در واقع، افزایش منابع هویت به‌معنای تولید انواعی از امکان‌ها و موقعیت‌های جدید هویت‌سازی است که هر فردی کم‌وبیش می‌تواند با بهره‌گیری از آن هویت خویش را بازسازی کند (گیدنز، ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۵).

با این حال، سیاست فرهنگی حاکم، از طریق نهادهای رسمی، گفتمان هویتی خود را ارائه می‌دهد و جوانان را در جهت هم‌سوئی با آن فرامی‌خواند. فرض اصلی این است که تکثر و تنوع منابع هویت‌ساز، که در اشکال مختلف گفتمانی در دسترس جوانان قرار دارد، مانع آن می‌شود که گفتمان فرهنگی حاکم به یگانه‌منبع گفتمانی هویت‌بخش تبدیل شود. جوانان از مواضع گفتمانی متعدد در دسترس، برای هویت‌بخشی به خود استفاده و درمقابل گفتمان حاکم

مقاومت می‌کنند. مسئله‌مندشدن هویت، فرآیندی تاریخی است که با ظهور شهرنشینی، برآمدن دولت-ملت‌های جدید و اساساً تکوین اجتماعات تازه بشری ارتباط تام دارد. هویت اجتماعی با توجه به عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت افراد به برداشت دیگران وابسته است و شناسایی دیگران لازمه تثبیت هویت است. ازطرفی، هویت اجتماعی شخص هیچ‌گاه تمام نمی‌شود و مدام در معرض تغییر و تحول و بازنگری است.

برهمن‌سیاق، هویت اجتماعی جوانان در ایران، در بعد ملی، قومی و مذهبی، تحت تأثیر نهادها و گفتمان‌های هویت‌ساز از قبیل نهادها و گفتارهای رسمی قرار دارد که محتوایی مذهبی دارند و مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران هستند. جوانان در مواجهه با این گفتمان اصلی هویت‌ساز، که در اغلب نهادها و سازمان‌های دولتی از قبیل صداوسیما، سازمان تبلیغات اسلامی، جهاد دانشگاهی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت آموزش و پرورش بازتاب یافته است، عملکردی منفعل و انطباقی ندارند و توانایی تفسیر، انتخاب و مقاومت دارند. این واکنش فعالانه جوانان از وجود گفتمان‌ها و معانی متفاوت در نظم گفتمانی هویت اجتماعی ریشه می‌گیرد، به‌طوری‌که جوانان با دسترسی به این گفتمان‌های متفاوت، معانی و مواضع گفتمانی آنها را می‌گیرند و به‌وسیله آنها نوع رابطه خود را در مقابل نظام معنایی گفتمان حاکم سازمان‌دهی می‌کنند. این مسئله، یعنی منازعه گفتمانی گفتمان‌های مختلف، در برساخت گفتمانی هویت اجتماعی جوانان پدیده‌ای تک‌خطی و قطعی نیست، بلکه سازوکاری امکانی، مبتنی بر مفصل‌بندی و بازنمایی دارد. جوانان با دسترسی به گفتمان‌های مختلف از قبیل گفتمان‌های سیاسی مربوط به حقوق و آزادی‌های سیاسی، گفتمان‌های جنسیتی مربوط به حقوق برابر برای زنان و مردان، گفتمان‌های قومیتی مربوط به حقوق زبانی و فرهنگی، گفتمان‌های زندگی روزمره مرتبط با سبک زندگی و مصرف، و با توجه به زمینه اجتماعی و اقتصادی و نیز فردیت سیاسی خود، نوعی ترکیب‌بندی گفتمانی خلق می‌کنند و هویت اجتماعی خود را می‌سازند.

درواقع، کردها، پس از عرب‌ها، فارس‌ها و ترک‌ها، بزرگ‌ترین قوم را در خاورمیانه تشکیل داده‌اند (اولسون، ۱۹۹۶: ۱۶). با وجود قدمت مسئله‌دارشدن نشان‌ها و نمادهای فرهنگی و هویتی در نزد کردها، و نمود و ظهور آن به‌شيوه‌های گوناگون (ر.ک: مرشدی‌زاد و همکاران، ۱۳۸۹؛ مقدس جعفری، ۱۳۸۷؛ احمدی، ۱۳۹۰؛ حاجیانی، ۱۳۸۷؛ قادرزاده، ۱۳۸۸؛ فکوهی و آموسی، ۱۳۸۸)، رویدادها و تحولات معاصر نظیر بین‌المللی‌شدن مسئله گُرد (وان برونسن، ۱۳۷۹)، گسترش فزاینده ایستگاه‌ها و شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای گُردی (شیخ‌الاسلامی، ۲۰۱۱)، و شکل‌گیری حکومت منطقه‌ای اقلیم کردستان عراق (بوژمهرانی و پوراسلامی،

۱۳۹۳)، ساخت‌یابی گفتمان هویت ملی کردها در رسانه‌های ماهواره‌ای، به‌ویژه گفتمان رسانه‌ای اقلیم کردستان (شیخ‌الاسلامی، ۲۰۱۱) و...، تکثیر عوامل هویت‌ساز و انواع روایت‌های بدیل هویتی را به‌ویژه برای جوانان رقم زده است.

نوع گفتمان‌های هویت‌ساز دردسترس، از یک‌طرف، ساختار هویتی چندبعدی‌ای به‌وجود آورده و از طرف دیگر، بدیل‌ها و رقیب‌هایی برای گفتمان هویتی سیاست فرهنگی حاکم ایجاد کرده است. بحث اساسی این است که با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی موجود در کردستان، جوانان بر بستر این تمایزها چگونه به گفتمان هویتی حاکم واکنش نشان می‌دهند و در فرآیند هویت‌یابی چه گفتمان یا گفتمان‌هایی را در برساخت هویت خود به‌کار می‌گیرند. این پژوهش، با بررسی و تحلیل گفتمان «متون نهادی» نهادهای سیاست‌گذار در ایران، تلاش می‌کند گفتمان دولتی-رسمی سیاست فرهنگی را در جهت هویت‌بخشی به جوانان شناسایی کند و نقش و تأثیر آن را شکل‌دهی و برساخت هویت اجتماعی جوانان تحت بررسی قرار دهد. در این فرآیند، رقابت و منازعه گفتمان‌های مختلف در برساخت هویت جوانان بررسی و مؤثرترین و عمومی‌ترین گفتمان‌ها در این فرآیند تکوین هویتی، شناسایی و تحلیل خواهد شد. این تحقیق به بررسی روش‌ها و راهبردهایی نیز می‌پردازد که جوانان در فرآیند رویارویی و مقاومت در برابر سلطه گفتمان هویتی سیاست فرهنگی حاکم اتخاذ می‌کنند. به‌طور خلاصه، هدف فهم فرآیند گفتمانی برساخت و تکوین هویت جوانان شهر سنندج با تأکید بر نحوه رویارویی جوانان با گفتمان هویتی سیاست فرهنگی حاکم در کشور است، تا بتوان به پرسش‌های ذیل پاسخ داد:

۱. عناصر و مؤلفه‌های اصلی گفتمان هویتی سیاست رسمی حاکمیت (متون نهادی) چیست و به طرد چه عناصر و مؤلفه‌هایی می‌پردازد؟
۲. چه گفتمان‌هایی در رقابت و منازعه با گفتمان هویتی حاکم در برساخت هویت جوانان مشارکت دارند؟
۳. نقش گفتمان‌های دردسترس جوانان در نظم گفتمانی هویت اجتماعی درکنار فردیت سیاسی جوانان و بافت موقعیتی (عوامل اجتماعی) آنها در برساخت هویت اجتماعی چگونه است؟
۴. چه منابع و عناصر هویت‌یابی در اشکال گفتمانی در برساخت هویت اجتماعی جوانان موقعیت غالب و فرادست دارند؟
۵. کنش‌ها و راهبردهای گفتمانی مقاومت جوانان در مواجهه با گفتمان هویتی سیاست فرهنگی حاکم چیست؟

پیشینه پژوهش

به واسطه اهمیت یافتن مسئله هویت در طی چندسال اخیر، کتاب‌ها و پژوهش‌های زیادی در این زمینه منتشر شده است. پژوهش کاظمی و محسنی آهویی (۱۳۸۶) تحت عنوان «تبعیض سنی: ارزیابی گفتمان سیاست فرهنگی در هویت‌بخشی به جوانان ایرانی» به تحلیل گفتمان سیاست فرهنگی سه نهاد رسمی «شورای عالی انقلاب فرهنگی»، «سازمان ملی جوانان» و «صداوسیما جمهوری اسلامی ایران» در خصوص جوانان پرداخته است. این تحقیق گفتمان‌های هویتی جوانان را بررسی نکرده و واکنش جوانان را در رویارویی با این گفتمان رسمی نفی‌کننده تحت بررسی قرار نداده است.

غلامپور آهنگر (۱۳۸۲)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر ساختار سیاست‌گذاری فرهنگی بر بحران هویت جوانان» از سال ۱۳۷۶ تاکنون مطالعه کرده است. برطبق یافته‌های این تحقیق، در ساختار سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ما با چندگانگی ذهنی روبه‌رویم. این چندگانگی ذهنی، نخستین تأثیر خود را بر ساختارهای عینی می‌گذارد و باعث ایجاد چندگانگی در آن می‌شود. حاصل این چندگانگی ایجاد نوعی سردرگمی است که آن را بحران در هویت می‌نامند.

محمد رضایی (۱۳۸۴) در رساله دوره دکتری خود با عنوان «بحران در بازتولید هژمونی از طریق گفتمان مدرسه»، به تحلیل گفتمان پیام‌های ایدئولوژیکی پرداخته که از طریق نهاد مدرسه در راستای برساخت هویتی ویژه از دانش‌آموزان و بازتولید سلطه از طریق آن ارائه می‌شود. برطبق یافته‌های این تحقیق، گفتمان سیاسی-مذهبی حاکم در برساخت هویتی مذهبی (مطابق با نگرش حاکم) از دانش‌آموزان و بازتولید سلطه از طریق آن شکست خورده است.

دو کتاب انگلیسی نیز با عنوان گفتمان و هویت، حاوی مقالات پژوهشی مفیدی در موضوع پژوهش ماست. کتاب اول ویراسته آنا دی‌فینا، دیبورا شفرین و مایکل بامبرگ است. کتاب بعدی، با همان عنوان، نوشته بتهان بنویل و الیزابت استوک، در دو بخش شامل هفت فصل به رابطه گفتمان و هویت در ابعاد مختلف پرداخته‌اند.

کتاب انگلیسی دیگری نیز با عنوان برساخت گفتمانی هویت در سیاست اروپایی، ویراسته ریچارد مول، هویت‌های مختلفی را بررسی کرده است که در عرصه منازعه‌های گفتمانی سیاست اروپایی برساخت می‌یابند.

پژوهش حاضر، به‌منظور تکمیل و بسط تحقیق‌های صورت‌گرفته در چارچوب اشاره‌شده، درعین تحلیل گفتمان هویتی حاکم، ترکیب‌بندی هویتی جوانان را نیز بررسی کرده و نحوه مقاومت و رویارویی آنها را در فرآیند برساخت و تکوین هویت ضد سلطه کاویده است.

رویکرد نظری: برساخت گفتمانی هویت

در سال‌های اخیر، اصطلاح هویت در گفتارهای دانشگاهی و سیاسی رواج ویژه‌ای یافته است. مسئله‌شدن هویت در حیات اجتماعی و سیاسی و بازتاب آن در پژوهش‌های علمی و دانشگاهی محصول عوامل مهمی در سرتاسر جهان به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم بوده است. بی‌ثبات‌شدن بنیادهای مطلق و اشکال ذات‌گرایانه هویت (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۷)، ظهور جامعه مصرفی (بودریار، ۱۳۹۰: ۲۴) و نظم فرهنگی سرمایه‌داری متأخر (جیمسون، ۱۳۸۹: ۱۹) با مجموعه‌ای از تحولات معرفت‌شناختی، نظری و سیاسی همراه بود که تعریف‌ها و دسته‌بندی‌های اثبات‌گرایانه و یک‌سونگرانه از پدیده‌های اجتماعی به‌ویژه هویت را نفی کرد و نگرش‌ها و الگوهای نظری چندساحتی و کثرت‌گرایانه‌ای را در حوزه علوم اجتماعی ایجاد کرد. همچنان‌که لاکلاو اذعان می‌کند: «عرصه مدرن، چنانچه ما اکنون در آن به‌سر می‌بریم، با اصطلاحات مابعدصنعتی، فرا، متأخر یا پست‌مدرنیته (پایان قرن بیستم/ قرن بیستم متأخر)، و به‌طور مدام، با ازهم‌گسیختگی، نسبی‌گرایی، مهاجرت حوزه‌های عمومی و خصوصی و مرکز‌زدایی و جابه‌جایی خود مشخص شده است» (لاکلاو، ۱۹۹۰، به‌نقل از بنول و استوکو، ۲۰۰۷: ۲۲).

هویت اجتماعی اساساً از طریق مقایسه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد، مقایسه‌هایی که درون و بیرون گروه را از هم متمایز می‌کند. تمام ویژگی‌ها و رفتارهایی که به تمایز میان «ما» و «آنها» می‌انجامد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت اجتماعی محسوب می‌شوند؛ نظیر زبان، دین، قوم، آداب و رسوم و... (جنکینز، ۱۳۹۱: ۷۷). بر مبنای رویکردهای متأخر در جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، نظام‌های بازنمایی، گفتمان‌ها و ترکیب‌بندی‌های گفتمانی عامل‌های اصلی «هویت‌یابی» در فرآیند تکوین هویت به‌شمار می‌آیند (لاکلاو و موفه، ۱۳۹۲: ۱۷۱؛ هال، ۱۳۹۱: ۱۱۹). ادراک ضدذات‌گرایانه از هویت‌ها، که آنها را از طریق برساخته‌هایی گفتمانی می‌فهمد، رشته مسلط در اندیشه مطالعات فرهنگی است (بارکر، ۱۳۸۷: ۳۹۴؛ بنت، ۱۳۸۸). نظریه گفتمان، آن‌طور که فوکو و هال و لاکلاو و موفه و فرکلاف آن را شرح و بسط داده‌اند، ناظر بر سیالیت هویت‌ها، رابطه‌ای‌بودن گفتمان‌های هویتی، تکثر آنتاگونیسم‌های اجتماعی، مقاومت سوزده‌ها در برابر سلطه و، در یک کلام، نافی «ایده ایدئولوژی حاکم» و نظریه زیربنا/روبنا و نیز ناقد مفروضات لیبرالی راجع به دولت و جامعه است (استریناتی، ۱۳۸۴).

استوارت هال، دیوید مورلی، جان فیسک و میشل دوسرتو نظریه‌پردازانی‌اند که به بحث درباره نحوه شکل‌گیری ذهنیت و مقاومت سوزده‌های اجتماعی در برابر گفتمان‌های مسلط در زندگی روزمره می‌پردازند (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). در میان نظریه‌پردازان عرصه مطالعات فرهنگی، استوارت هال وجهه انتقادی خود را حفظ کرده و در برابر جریان متنی‌شدن تمام‌عیار

مطالعات اجتماعی مقاومت می‌ورزد. به‌زعم او، همچون فرکلاف، عرصه‌های فراگفتمانی به‌منزله بستر اجتماعی متون و گفتمان‌ها عمل می‌کنند؛ از این‌رو، تحلیل گفتمان باید در سطح تبیین به بررسی نحوه تأثیر این بافت‌های موقعیتی بر گفتمان‌ها و هویت‌های گفتمانی بپردازد. استوارت هال مقاله تأثیرگذاری با عنوان «رمزگذاری، رمزگشایی» ارائه کرده است که در آن، فرآیند تولید، توزیع و مصرف پیام‌های رسانه‌ای را با تأکید بر دخالت قدرت در این فرآیند و توانایی مخاطب در ارائه قرائت خود تحلیل کرده است (استوری، ۱۳۸۶).

هال، با اشاره به تمایز میان «معنای صریح» و «معنای ضمنی» نشانه، معنای صریح را معنای انعکاسی و طبیعی آن می‌داند که با واقعیت سراسر است و بدون مناقشه سروکار دارد؛ همچنین، معنای ضمنی نشانه را برپایه معانی قراردادی‌تر، متغیرتر و تفسیرپذیر آن در نظر گرفته و بر این باور است که این معانی به‌دست تولیدکنندگان رسانه در پیام رمزگذاری می‌شوند و مخاطبان پیام رسانه‌ای آنها را رمزگشایی می‌کنند. «هال برای تبیین مسئله رمزگذاری / رمزگشایی سه جایگاه فرضی برای مخاطبان قائل می‌شود: الف) جایگاه مسلط / فرادستی: زمانی که جایگاه اجتماعی بیننده سبب سازگاری هرچه بیشتر او با ایدئولوژی حاکم می‌شود، یعنی معنای مرجع متن را می‌پذیرد. ب) جایگاه معارض: جایگاه اجتماعی مخاطب در نقطه مقابل ایدئولوژی مسلط قرار می‌گیرد و معنای مرجع آن پذیرفته نمی‌شود. ج) جایگاه توافقی: ایدئولوژی، ضمن ایجاد تغییر، برطبق نیازها و توقعات پذیرفته می‌شود» (مورلی، ۱۹۹۹: ۱۱۰-۱۱۵). معنای متن، بسته به گفتمان‌ها (دانش‌ها و پیش‌داوری‌ها و مقاومت‌ها)، که خواننده بر آن تحمیل می‌کند، متفاوت خواهد بود. مهم‌ترین عامل در مواجهه مخاطب و متن گستره گفتمان‌هایی است که مخاطب در دسترس دارد (همان، ۱۲۱).

بنابراین، هویت جوانان عرصه منازعه ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های رقیب است. هرچه دسترسی گفتمانی جوان بیشتر باشد، سیال‌بودن و تکثر هویتی او بیشتر از حالتی است که دسترسی گفتمانی محدود است. پیشرفت‌های اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی جوان باعث افزایش دسترسی گفتمانی او می‌شود و این مسئله تعیین هویتی او را کاهش می‌دهد و به تنوع و تغییر هویت او منجر می‌شود. برطبق دیدگاه نظریه گفتمان، برساخت هویت جوانان فرآیندی گفتمانی و محصول منازعه‌ای فرادستی است. گفتمان‌های موجود به‌منزله ترکیبی پیچیده و نامتعیین از نهادها و ایدئولوژی‌ها، در تخصص و رقابت با یکدیگر، نظم گفتمانی فعالیت هویت-گیری جوانان را همچون یک میدان مهیا می‌کنند و هویت جوانان در این میدان تولید می‌شود.

روش‌شناسی

هدف غایی نظریه و روش گفتمان، بررسی راه‌هایی است که به‌واسطه آنها، صورت‌بندی‌های گفتمانی شکل‌گیری هویت‌ها را در جامعه امکان‌پذیر می‌سازند (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۵۷). بدین‌معنی که این رویکردهای گفتمانی، همه، از تعیین‌گرایی اجتماعی عوامل‌گرایانه فراتر می‌روند و جهان را در اشکال عینی و ذهنی آن با درجات متفاوت محصول و فرآورده نظام‌های معنایی و نظم‌های گفتمانی برمی‌شمارند. فرض اصلی این روش از منظر فرکلاف، فرض رابطه دیالکتیکی میان ساختارها و عمل اجتماعی (یا ایده‌ها) است؛ یعنی متون، در حکم ایده‌ها، عملی اجتماعی‌اند و بنابراین در راستای تولید و بازتولید ساختارهای اجتماعی عمل می‌کنند. هدف این قسم تحلیل، بازگرداندن متن به آن زمینه‌هایی است که در آن تولید شده است. به‌عبارت دیگر، ایده اصلی این روش بر این استوار است که کنش‌های اجتماعی به‌واسطه نظم‌های گفتمانی به ساختارهای اجتماعی متصل‌اند. ساختار اجتماعی هم شرط کنش و هم امکان کنش‌ورزی است و یکی از جدی‌ترین کنش‌ها، متون هستند (فرکلاف، ۱۳۷۹).

واقعیت آن است که متون حول روابط ارزشی می‌چرخند که اغلب با استفاده از تمهیدات گفتمانی برجسته‌سازی و به‌حاشیه‌رانی، مرکز ایدئولوژیک متن را در رابطه دو شقی ما/ آنها برمی‌سازند و شق اولی را بر دومی رجحان می‌دهند. در هر صورت، «برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سازوکاری برای تقویت خود و تضعیف غیر است و گفتمان‌ها، بسته به شرایط و امکاناتی که در اختیار دارند، از شیوه‌های مختلفی برای برجسته‌سازی خود و حاشیه‌رانی غیر بهره می‌گیرند» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۱۳). با وجود این، عمل پیش‌گفته نه در خلأ، بلکه درون نظم گفتمانی ویژه‌ای امکان تحقق می‌یابد. «نظم گفتمانی چارچوب‌های گفتن و کنش را تعیین می‌کند، اما خود به‌وسیله این گفته‌ها و عمل‌ها مدام بازتولید یافته و به‌طور مدام تغییر می‌یابد» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲۷). مفصل‌بندی ذکرشده، به‌مدد و وساطت بافت گفتمانی و بینامتنیت رؤیت‌پذیر و کران‌مند خواهد شد، اما نه برای همیشه پایدار خواهد ماند و نه خودبه‌خود امکان تغییر می‌یابد. با مفصل‌بندی جدید گفتمان‌ها، خطوط مرزی چه درون یک نظم گفتمانی واحد و چه میان نظم‌های گفتمانی مختلف تغییر می‌کند... میان‌گفتمانی‌ت گونه‌ای از میان‌متنیت است. میان‌متنیت به وضعیتی اشاره دارد که در آن تمامی رخدادهای ارتباطی به رخداد‌های پیشین متکی‌اند. ... یک متن را می‌توان حلقه رابطه‌ای در یک زنجیره میان‌متنی به‌شمار آورد (همان، ۱۲۹). نظم گفتمانی که امکان و پیش‌شرط هر عمل اجتماعی (ایده، متن و کنش) است، خود توسط ساختارهای اجتماعی یا صورت‌بندی‌های نهاد/ اجتماعی تعیین می‌یابد؛ بدین‌معنی که

نهادهای هم نظم گفتمانی موجود را سامان می‌دهند و هم اینکه به‌گونه‌ای دیالکتیکی، عملکرد نظم گفتمانی، به بازتولید ساختارهای اجتماعی و تاریخی می‌انجامد (فرکلاف، ۱۳۹۵).

تحلیل یافته‌ها به دو شیوه صورت می‌گیرد: در بخش نخست، سعی بر آن است که به یاری روش تحلیل انتقادی گفتمان، عناصر اصلی خوانش مرجع (گفتمان مسلط) سندها و متون نهادی^۱ مربوط به گفتمان هویت‌بخش حاکم تشریح شود. منظور از متون نهادی، آن دسته از اسناد، بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها و مدارکی است که دستورالعمل‌های سازمانی نهادها تلقی می‌شوند و حامل ایده‌های اصلی آن و برسازنده سوزده‌های محبوب آن نهادها هستند. تحلیل متنی متون نهادی، عملکردهای ایدئولوژیکی را آشکار می‌کند که شکل معینی از دانش عملی را برای وظیفه‌ی اداره و حکمرانی تولید می‌کند (اسمیت، ۲۰۰۵). نمونه‌گیری ما در این قسمت هدفمند بوده است. قدرت نمونه‌گیری هدفمند در انتخاب نمونه‌های غنی از لحاظ اطلاعات برای مطالعه عمیق است (محمدپور، ۱۳۹۲). در این زمینه به متن «منشور تربیتی نسل جوان» مراجعه کردیم که به‌باور ما، گویاترین سند در باب سیاست‌های هویتی رسمی درباره هویت اجتماعی جوانان است. بنابراین، متن را از طریق روش‌شناسی تحلیل گفتمان بر طبق ابعاد سه‌گانه هویت اجتماعی (ملی، قومی و مذهبی) تحلیل و گزاره‌های هویتی آن را شناسایی و استخراج کرده‌ایم.

در بخش دوم، به مطالعه تلقی‌ها و تفسیرها و قرائت‌های جوانان از گفتمان هویتی رسمی و حاکم پرداخته‌ایم، به‌گونه‌ای که نحوه مواجهه و رویارویی جوانان و اشکال مقاومت آنها با گفتمان مسلط به‌دست آید. جامعه آماری ما در این بخش، جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر سنندج بوده‌اند و نوع نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری نظری است. «در این نوع از نمونه‌گیری، پژوهشگر به‌سراغ جاهای، آدم‌ها و رویدادهایی می‌رود که امکان کشف گوناگونی‌ها را به حداکثر برساند و مقوله‌ها را از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد غنی کند» (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۲۱۹). مبنای منطق نمونه‌گیری نظری مرتبط‌بودن موردها با یکدیگر و با فرآیند شکل‌گیری مقولات است و نه نمایه‌بودن آنها. این اصل مشخصه راه‌بردهای مربوط به گردآوری داده در تحقیق کیفی به‌شمار می‌آید (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۴۱). «جهت برآورده شدن حداکثر تنوع نمونه‌های مورد بررسی در میدان مطالعه» (محمدپور، ۱۳۹۲) از «نمونه‌گیری با حداکثر تنوع» نیز استفاده شده است؛ یعنی انتخاب جوانان با دامنه متغیر تفکرات و علایق سیاسی-اجتماعی. حجم نمونه طبق تمهید روش‌شناختی اشباع نظری (پایان نمونه‌گیری مبتنی بر فقدان موردهای متفاوت و

1. Institutional Texts

تکراری شدن مباحث (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۳۸-۱۳۹) در مصاحبه سی و یکم به اتمام رسید، اما جهت حصول اطمینان آن را تا نفر سی و هشتم نیز ادامه دادیم. سنجش و ارزیابی رابطه این دو بخش، یعنی میزان حضور گفتمان‌های رقیب از یک طرف و گفتمان هویتی حاکم از طرف دیگر، در میدان هویت جوانان از طریق الگویی نظری صورت می‌پذیرد که محقق برای تجزیه و تحلیل گفتمانی داده‌های تحقیق طراحی کرده است. از طریق این الگو، واکنش جوانان به گفتمان هویتی حاکم و تفسیر آنها از این گفتمان، با استفاده از سه راهبرد خوانشی موافقت، مذاکره و معارضة، رصد می‌شود که هر کدام از آنها به واسطه دسترسی جوانان به مواضع گفتمانی دیگر در نظم گفتمانی موجود تحقق می‌یابد. هر خوانشی خود به بساخت گفتمانی ویژه‌ای منتهی می‌شود که هویت اجتماعی جوان را در ابعاد سه‌گانه ملی، قومی و مذهبی تعیین می‌کند.

بخش اول یافته‌ها: سیاست‌گذاری‌های رسمی درباره جوانان^۱

در ایران، به واسطه اینکه حکومت و دولت‌ها به نوعی ایدئولوژی دینی متعهدند و به حفظ و گسترش آن در نسل‌های آتی پای‌بندند، در همه عرصه‌ها می‌توان سیاست‌گذاری‌های هویتی را مشاهده کرد. در اینجا، به صورت خلاصه، به تحلیل انتقادی گفتمان یک نهاد برگزیده پرداخته می‌شود که به نظر پژوهشگران، اصلی‌ترین متن نهادی مرتبط با پژوهش حاضر است.

تحلیل متن «منشور تربیتی نسل جوان»

این نقشه راه، در واقع، منشوری است که شورای عالی جوانان زیر نظر ریاست‌جمهوری با عنوان «منشور تربیتی نسل جوان» در سال ۱۳۷۳ تدوین کرده و آن را در قالب بخش‌نامه به کلیه وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، نیروهای انتظامی و نظامی، نهادهای انقلابی، استانداری‌ها و شهرداری‌ها ابلاغ و بر توجه به اجرای این منشور تأکید کرده است. یکی از مهم‌ترین راهبردهای هر گفتمانی، برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی است که گفتمان‌ها از طریق این راهبردها هویت «خودی» و «ما» را در برابر «دیگران» و «غیرخودی» برجسته می‌کنند. در مطلع «منشور تربیتی نسل جوان»، دوقطبی‌سازی‌هایی از قبیل مصلحان/مفسدان،

۱. پژوهشگران به تحلیل متون نهادی دیگری همچون متن شورای عالی جوانان، مرکز ملی جوانان، سازمان ملی جوانان و وزارت ورزش و جوانان پرداخته‌اند، اما به دو دلیل از آوردن تمام آنها اجتناب شده است: محدودیت صفحات مقاله و اینکه منشور تربیتی نسل جوان، که به تحلیل آن اکتفا شده است، معرف گفتمانی مابقی متون است.

شورانگیزترین تجلیل‌های عاطفی، روحی و بالندگی / فتنه‌انگیزترین آسیب‌های فردی، اخلاقی و اجتماعی، سلامت و سعادت / آفات دهر و آسیب روزگار، خیر / شر، خداجو و خدانشناس / بی‌بهره از رحمت هدایت الهی (منشور تربیتی نسل جوان، ۱۳۷۳: ۲ و ۳) به چشم می‌خورد که در هویت‌سازی و توصیف بایدها و نیایدهای نحوه رفتار و نگرش هویت جوان ایرانی کارکرد یافته است. تکنیک دوقطبی‌سازی، در چارچوب راهبرد برجسته‌سازی و به‌حاشیه‌رانی، الگویی اسلامی-انقلابی از هویت جوان را بازنمایی می‌کند که در آن اصول و ارزش‌های دینی مانند اعتقادات توحیدی و عدالت‌گرایی و نیز ارزش‌های سنتی مانند شرف و ناموس و قناعت و بی‌پیرایگی به‌مثابه دال‌های مرکزی و عمل‌های گفتمانی، گفتمان اسلامی-انقلابی را تأسیس می‌کنند. در دنیای امروز، که به تدریج ارزش‌های انسانی تضعیف و آسیب‌های اجتماعی تشدید می‌شود و جوانان به اقتضای طبیعت جوانی در معرض بحران هویت و استخفاف شخصیت قرار می‌گیرند، تنها راه نجات و امیدواری، احیای فکر دینی و قداست مذهبی در پاسخ به ندای فطرت الهی آنان است (منشور تربیتی نسل جوان، ۱۳۷۳: ۲).

در این قسمت، متن به توصیف موقعیت پرداخته و وضعیت دنیای امروز را وضعیتی آسیب‌زا در نظر گرفته است که بحران هویت را برای جوانان به‌همراه می‌آورد. ایدئولوژیک‌بودن این راهبرد در برجسته‌سازی وضعیت منفی و فسادآور دنیای کنونی و به‌حاشیه‌رانی قابلیت‌ها و فرصت‌های آن برای جوانان است. این راهبرد، با توصیف وضع موجود، رویکرد ایدئولوژیک خود را برای برون‌رفت از بحران ارائه داده و آن را همان تفکر اسلامی-انقلابی برشمرده است. به‌لحاظ جمعیتی، کشور ما از جوان‌ترین کشورهای دنیاست و نسل جوان، براساس آمارهای موجود، تقریباً نیمی از جمعیت کشورمان را تشکیل می‌دهد. از آنجاکه جوانان سرمایه اصلی و آینده‌سازان میهن اسلامی‌اند، تدبیر و برنامه‌ریزی در امور مربوط به آنان از اولویت خاصی برخوردار است (همان، ۴).

توصیف جمعیت ایران به‌مثابه جمعیتی جوان ضرورت توجه به نسل جوان را بازمی‌نماید که در این متن از آنان با تعبیر «سرمایه اصلی» و «آینده‌سازان میهن اسلامی» نام برده شده است. رویکرد ایدئولوژیک این متن برجسته‌سازی جوانان، نه به‌مثابه هویتی مستقل و خودراه‌بر، بلکه به‌منزله وسیله‌ای برای بازتولید و توسعه میهن اسلامی است.

بازنمایی استعاری معضلات و پیچیدگی‌های جامعه مدرن، به‌صورت «آفات دهر و آسیب روزگار» (همان، ۳)، تصویری ذاتی و متافیزیکی از آنها ارائه می‌دهد که مطابق سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حل‌شدنی نیست، بلکه با ذات فرهنگ و بنیاد جامعه‌ای غیرالهی مرتبط است. استعاره «جغرافیای معنوی کربلا و تقویم روحی عاشورا» (همان، ۲۰)، با استفاده از

روایتی مذهبی، تمام عرصه‌های زندگی جوانان را به میدان نبرد ایدئولوژیک تبدیل کرده و آنها را در صف حق علیه باطل صف‌بندی قرار داده است. استعاره «جبل متین» (همان، ۲۴) برای اسلام، تفاوت نگرش‌ها و گرایش‌های فکری را به حاشیه رانده و وحدت و هم‌بستگی حول دال مرکزی اسلام را برجسته کرده است. این استعاره، با نادیده گرفتن تفاوت و اختلاف‌های درون‌دینی و برون‌دینی در جامعه ایران، قرائت ویژه‌ای را، که همان قرائت رسمی و دولتی است، به‌منزله قرائت اکثر جامعه، تعمیم داده و از این طریق، کارکردی ایدئولوژیک یافته است.

در زمینه هویت ملی، هویت جوانان را در قالب هویت گسترده میهن اسلامی تعریف کرده و با استفاده از گفتمان اسلام سیاسی، جوانان را در حفظ و حراست و نیز تداوم آن، شریک و بازیگر اصلی در نظر گرفته است. این متن هویت ملی مستقلی را به رسمیت نمی‌شناسد و همواره میهن را با پسوند اسلامی و در ارتباط با امت اسلامی در نظر می‌گیرد. هویت قومی نیز صرفاً موضوع شناخت است و هیچ ویژگی و حق مشخصی در قالب گفتمان متن برجسته نشده است.

متن تحت بررسی و گفتمان مفصل‌بندی‌شده آن، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، از گفتمان‌های مذهبی، سیاسی، علمی، جامعه‌شناختی، اخلاقی و ادبی استفاده کرده و گفتمان ترکیبی خود را از طریق آنها بر ساخته است. این متن بیناگفتمانی وسیعی با گفتمان رسمی حاکمیت دارد. خلاصه اینکه، درون برساخت گفتمانی متن تحت بررسی، هویت اجتماعی جوانان با ترکیبی از میهن‌دوستی و میهن اسلامی مفصل‌بندی شده است که در آن ملت و دین هم‌ارز می‌شوند و به تبع آن، هویت اجتماعی مطلوب هم‌آیی مذهب، میهن اسلامی و ایران اسلامی است.

بخش دوم: تجربه زیسته جوانان و سیاست مقاومت^۱

این پژوهش به بررسی نحوه برساخت هویت اجتماعی جوانان شهر سنندج از طریق گفتمان‌های مختلف پرداخته است. هویت اجتماعی دارای ابعاد سه‌گانه ملی، قومی و مذهبی در نظر گرفته شده که مقولات زیر از متن مصاحبه‌ها با ۳۸ نفر استخراج شده است.

جدول ۱. مقوله‌بندی داده‌های مصاحبه

ابعاد هویتی	کدگذاری اولیه (مفاهیم)	کدگذاری محوری (مقوله)	هسته/مقوله اصلی
هویت ملی	ایرانی بودن مشروط، حس تبعیض		معارضت و مقاومت

۱. با توجه به محدودیت تعداد صفحات و ماهیت پژوهش که حجم بسیاری از داده‌های دو قرائت و برساخت گفتمانی رسمی (متون نهادی) و تجربه زیسته (متون غیرنهادی) را شامل می‌شود، در این بخش از آوردن نقل قول‌های مصاحبه‌شوندگان اجتناب کردیم.

ابعاد هویتی	کدگذاری اولیه (مفاهیم)	کدگذاری محوری (مقوله)	هسته/مقوله اصلی
	اجتماعی، بی‌علاقگی به مشاهیر، بی‌تفاوت به تمامیت ارضی، علاقه به تاریخ و فرهنگ ایرانی، مشارکت سیاسی، عدم پرداخت هزینه.	توافقی/ معارضت	در تقابل با قرائت رسمی
هویت قومی	مستقل بودن زبان کردی، آگاهی و علاقه به تاریخ و فرهنگ کردی، گرایش به درون‌همسری قومی، تمایل به احزاب سیاسی کرد.	معارضت	
هویت مذهبی	جدایی دین و سیاست، عدم حضور در مراسم و مناسک مذهبی، مخالفت با حجاب اجباری، اعتقاد به دین اما جدا از سیاست، شخصی بودن دین و حجاب، دین اعتدالی، سکولاریسم.	توافقی/مذاکره‌ای	

بررسی و تحلیل داده‌هایی که از طریق مصاحبه گردآوری شده‌اند از تنوع گفتمان‌ها در میدان و منازعه و کشمکش آنها در برساخت و پیکربندی هویت جوانان در شهر سنندج حکایت دارد. وجود گفتمان‌های متعارض در میدان شکل‌گیری هویت جوانان از انسداد و فروبستگی هویت جوانان جلوگیری می‌کند و منازعه‌ای فرادستی برای رقابت و سلطه هرکدام از گفتمان‌های رقیب در برساخت هویت جوانان ایجاد می‌کند. با تحلیل گفتمان داده‌های مصاحبه این پژوهش، الگوهای گفتمانی شناسایی و استخراج شد که در میدان برساخت هویت جوانان شهر سنندج حضور داشتند و فعال بودند. این خوشه‌های گفتمانی را، که در جهت تقویت یا طرد همدیگر عمل می‌کنند، می‌توان به‌منزله یک طیف به‌نمایش درآورد. در دو سر این طیف گفتمان‌هایی قرار می‌گیرند که مفاهیم، عناصر مرکزی و عمل‌های گفتمانی آنها تا حد زیادی در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرد. در فاصله بین این دو قطب متضاد گفتمانی نیز گفتمان‌هایی واقع می‌شوند که به‌تدریج از الگوهای گفتمانی اشاره‌شده فاصله می‌گیرند و به سمت حد وسط یا میانه متمایل می‌شوند. طبق تحلیل‌های انجام‌شده در حد فاصل دو قطب، سه الگوی گفتمانی دیگر قرار می‌گیرند که دوتای آنها نزدیک به گفتمان دو قطب است و یکی نیز جایگاهی میانگین و بینابین دارد.

گفتمان‌های دیگر				
گفتمان هویتی رسمی (اصول‌گرایی)	گفتمان هویتی معتدل (اصلاح‌طلبی)	گفتمان هویتی میانه	گفتمان هویتی مخالف	گفتمان هویتی معارض
گفتمان‌های دیگر				

شکل ۱. نظم گفتمانی هویت اجتماعی جوانان شهر سنندج

بر همین‌سیاق، جوانان شهر سنندج در مواجهه با گفتمان رسمی حاکمیت در باب هویت در قالب نهادها، سیاست‌گذاری‌ها، پیام‌های رسانه‌ای، متن‌های درسی و آموزشی، که شاکله کلی آن در منشور تربیتی نسل جوان نمود یافته است، به سه قرائت اصلی دست می‌یازند که شامل خوانش مسلط- فرادستی، خوانش توافقی و خوانش معارض است. این سه خوانش با توجه به دسترسی گفتمانی جوانان و موقعیت اجتماعی آنها صورت می‌گیرد؛ بدین‌معنی که جوانان با استفاده از گفتمان‌های دردسترس و نیز موقعیت اجتماعی و سیاسی خود، به خوانش ویژه‌ای از متن هویتی حاکمیت برای جوانان دست می‌یازند و هر خوانشی به یک شیوه از برساخت هویتی آنها منجر می‌شود.

عمل‌های گفتمانی داده‌های مصاحبه در باب بعد ملی هویت اجتماعی جوانان، در بردارنده راه‌بردهایی مبتنی بر انکار و نفی است، به‌طوری‌که هویت برپایه راه‌برد دوقطبی‌سازی، به دو بخش هویت‌گردی/ هویت ایرانی قطب‌بندی می‌شود. هویت‌گردی در تقابل با هویت ایرانی قرار می‌گیرد و نظام‌ها و نهادهای مربوط به هویت ایرانی برای هویت‌گردی محدودکننده و تهدیدآمیز فرض می‌شوند.

مصاحبه‌شوندگان اغلب در توصیف وضعیت خود، به وجود تبعیض در سازوکارهای استخدامی اشاره می‌کنند و آن را به ویژگی قومی و مذهبی خود، یعنی‌گرد بودن و سنی‌بودن، ربط می‌دهند. بافتار اجتماعی این گفتمان از وجود مشکلات اقتصادی، طردشدن از طریق سازوکار گزینشی حکومت و نوعی گسیختگی اجتماعی حکایت دارد. در نهایت، هویت جوانان در این بعد به‌تناسب موقعیت گفتمانی هویت معارض شکل می‌گیرد و معنای مرجح حاکمیت از هویت جوانان را رد می‌کند. آنچه درباره هویت ملی مصاحبه‌شوندگان مهم است، این است که در اکثر موارد گرد بودن را بر ایرانی‌بودن ترجیح می‌دهند. همچنین، بر گردی، به‌مثابه یک زبان مستقل و نه یک لهجه، تأکید می‌کنند و وضعیت فعلی را تبعیض‌آمیز و نابرابر برای زبان‌گردی قلمداد می‌کنند.

در واقع، در اکثر مواردی که نگرش و احساس افراد با زبان کُردی هم‌دلی دارد، وجهه پیامدی این احساس و ارزش‌ها نیز هم‌راستا با آنها عمل می‌کند. تحلیل گفتمان این رخدادهای گفتمانی این گسست عاطفی و تعلق را آشکار می‌کند، به طوری که کسانی که خود را متعلق به ایران می‌دانند حاضر به پرداخت هزینه برای آن در صورت وجود تهدید نیستند. می‌توان گفت جوانان در این گونه پاسخ‌ها به مفصل‌بندی گفتمانی جدیدی پرداخته‌اند، به طوری که با قبول دال مرکزی گفتمان رسمی، معنای مرجح و پیامدهای رفتاری آن را واسازی کرده‌اند. جوانان در این موارد در موضع گفتمان توافقی و مذاکره‌ای قرار گرفته‌اند و با استفاده از فردیت سیاسی خود موضع گفتمانی مسلط را بازسیاسی کرده و آن را به عرصه منازعه مسلط بدل کرده‌اند. مفصل‌بندی و ترکیب گفتمانی این متون، تنوع و کثرت اندکی دارد و قطبی‌سازی استعاری در آنها برجسته است.

گفتمان هویتی این جوانان دارای بینامتنیت و بیناگفتمانی با گفتمان ناسیونالیسم رادیکال کُردی است. پاسخ‌ها به پرسش مرتبط به هویت ملی ایرانی، اغلب با فرآیند استدلال همراه است؛ چراکه استدلال و بحث درباره موضع موردنظر به مشروعیت‌بخشی و عقلانی‌کردن رویکرد می‌انجامد. از نظر گرامری، تقید این پاسخ‌دهندگان به عمل‌های گفتمانی خودشان به میزان زیادی زیاد و بی‌قیدوشرط است. هویت ملی جوانان در جهت واسازی پیام رمزگذاری‌شده حاکمیت در قالب متن‌ها، نهادها و سیاست‌گذاری‌های رسمی پیش می‌رود و معنای مرجح متونی از قبیل «منشور تربیتی نسل جوان» و دیگر عمل‌های گفتمانی گفتمان مسلط حاکمیت را زیر سؤال می‌برد.

هویت ملی جوانان شهر سنندج بیشتر بر اولویت کُردبودن استوار است تا ایرانی‌بودن. اغلب پاسخ‌دهندگان زبان کُردی را نه لهجه‌ای از لهجه‌های فارسی، بلکه یک زبان مستقل در نظر می‌گیرند. اکثر آنها بر لزوم آموزش رسمی به این زبان تأکید دارند و از تبعیض بین این زبان و زبان‌های دیگر اقوام انتقاد می‌کنند. برخی از پاسخ‌دهندگان اعتقاد و نگرش خود را درباره زبان کُردی به رفتار تبدیل کرده‌اند و عملاً در راستای یادگیری، آموزش و اشاعه آن فعالیت می‌کنند. بیشتر پاسخ‌دهندگان به اولویت زبان، فرهنگ و جامعه کُردی بر زبان و فرهنگ فارسی قائل‌اند و احساس هم‌بستگی چندانی با بقیه مردم ایران ندارند. این موارد از آشکارگی و شدت گفتمان قومی در چارچوب گفتمان هویتی جوانان شهر سنندج خبر می‌دهد. رمزهای تحلیل‌شده از برساخت هویت قومی جوانان از طریق گفتمان‌های معارض و مخالف با گفتمان رسمی حاکم حکایت دارند. در مواردی نیز که گفتمان هویت ایرانی قبول می‌شود، درجه تعلق و احساس عاطفی به آن پایین است و هیچ پیامد رفتاری از جمله حفاظت و حراست از آن در مواقع خطر و

تهدید به چشم نمی‌خورد. در مواردی نیز بر برابری هویت ملی ایرانی و هویت ملی کُردی تأکید می‌شود و در چارچوب گفتمان هویتی توافقی، نوعی پذیرش گفتمان هویت ملی ایرانی دیده می‌شود. به‌طور کلی، هویت اجتماعی جوانان در بعد ملی در دو موضع گفتمانی معارض و توافقی بر ساخت یافته است و مفصل‌بندی گفتمانی جوانان به‌سوی طرد و به‌حاشیه‌رانی گفتمان هویت ملی رسمی جهت‌گیری کرده است.

در این زمینه، یعنی بعد قومی هویت اجتماعی جوانان، با میزان درخور توجهی از سوژه‌های در دسرساز برای گفتمان حاکم روبه‌رویییم که تسلط هویت ملی حاکم را زیر سؤال می‌برند و هویت قومی خود را جایگزین می‌کنند. زبان کردی و سرزمین مادری کردستان دال‌های اصلی این گفتمان قومی هستند که دال‌های دیگری از قبیل رسانه‌های کردی، تاریخ و مشاهیر کرد، و میراث فرهنگی کردستان را مفصل‌بندی و معنادار می‌کند. متون این بخش با گفتمان احزاب سیاسی کُرد دارای بینامتنیت است که از به‌رسمیت‌شناخته‌شدن زبان و ادبیات کردی به‌منزلهٔ زبان و ادبیاتی مستقل و نیز حق مشارکت در ساختار قدرت سخن به‌میان آورده‌اند. وجود تأثیر پررنگ گفتمان‌های هویتی مخالف و معارض با گفتمان مسلط در پاسخ مصاحبه‌شوندگان حاکی از این است که گفتمان‌هایی از قبیل گفتمان مدرنیسم، گفتمان‌های سیاسی لیبرالیسم و سوسیالیسم، که حقوق سیاسی و فرهنگی افراد و ملت‌ها را به‌رسمیت می‌شناسند، در نظم گفتمانی هویت جوانان حاضرند و در رقابت با گفتمان رسمی حاکم گوی سبقت را از آن ربوده‌اند. می‌توان گفت قدرت حاکم نتوانسته است ساختار گفتمانی موجود پیرامون هویت جوانان را کنترل و محدود کند.

با تحلیل بافت موقعیتی می‌توان به این واقعیت رسید که هرگاه فضای فرهنگی و سیاسی بازتر و آزادی اقوام و گروه‌ها بیشتر می‌شود، گفتمان هویتی اقوام کمتر ایدئولوژیک است و بیشتر جنبه‌ای توافقی و مذاکره‌ای دارد؛ یعنی سعی می‌کند برخی از وجوه گفتمان موجود را بپذیرد و برخی دیگر را رد کند. اما، هرگاه موقعیت اجتماعی و سیاسی به‌سمت انسداد پیش رفته و آزادی‌های اقوام و گروه‌ها محدود و کنترل شده است، گفتمان هویتی آنها نیز بار ایدئولوژیک بیشتری پیدا کرده و به‌سمت گفتمان معارض و منازعه‌گر پیش رفته است.

تحلیل داده‌های مصاحبه در زمینهٔ بعد مذهبی هویت اجتماعی جوانان نشان می‌دهد که دین در بعد احساسی و اعتقادی و تا حدی شناختی حضور دارد، اما انعکاس آن در بعد مناسکی و پیامدی ضعیف است. اغلب عمل‌های گفتمانی در جهت خصوصی‌کردن و فردی‌کردن حجاب به‌وقوع می‌پیوندند و با استدلال و توجیه این رویکرد، اجباری‌بودن حجاب یا برخورد فیزیکی با بدحجابی را زیر سؤال می‌برند. دال‌های اصلی گفتمان هویت جوانان در بعد مذهبی شامل

اعتقاد فردی، حقوق فردی و جدایی دین از سیاست است. می‌توان گفت عناصر دیگر از قبیل نوع پوشش، سبک زندگی، سازوکار استخدام شغلی و گزینشی در رابطه با این دال‌های اصلی تثبیت و معنادار شده‌اند. وجوه بیناگفتمانیت بعد هویت مذهبی جوانان با گفتمان‌های روشنفکری دینی، آموزه‌های مربوط به حقوق و آزادی‌های فردی لیبرالیسم و نگرش انتقادی سوسیالیسم با هم هم‌پوشانی دارد. سوژه‌های اعظم گفتمانی در این بعد هویت، نه روحانیت و نه اسطوره‌های دینی و مذهبی، بلکه انسان طراز جدید امروزی است که با تعقل و اندیشه دربارهٔ امور دینی، آن را به‌روز و با امور مدرن سازگار می‌کند.

در اغلب موارد، گفتمان هویت مذهبی جوانان در تعارض با گفتمان هویت مذهبی مسلط قرار می‌گیرد و در مواردی نوعی مذاکره و راه‌برد ترکیبی مشاهده می‌شود. می‌توان گفت جوانان شهر سنج با دسترسی گفتمانی به گفتمان‌های مخالف و متفاوت با گفتمان مذهبی رسمی، از رمزگشایی برطبق برههٔ رمزگذاری شده و پیام آن فراتر رفته‌اند و به نفی و رد معنای مرجح متون رسمی پرداخته‌اند. جوانان، با جای‌گیری در موضع گفتمانی و سوژگی گفتمان‌های سکولار و نوگرا، هویتی معارض با هویت مذهبی رسمی برساخته‌اند و از این طریق در برابر کنترل‌های گفتمانی و بافتی حاکمیت و سیاست‌گذاری‌های آن مقاومت می‌کنند. یافته‌ها ایدئولوژیک‌شدن گفتمان هویتی جوانان را در زمینهٔ مذهبی برنمی‌تابد و بیشتر رویکرد نوگرایانه و تساهل به امور مذهبی را نشان می‌دهد. در گفتمان آنها، دین و آموزه‌ها و نمادهای آن خصوصی و فردی شده و با ویژگی‌های جامعهٔ مدرن سازگار شده است. می‌توان گفت تلاش فرادستانهٔ نهادهای سیاست‌گذار در جهت برساخت گفتمانی هویت مذهبی جوانان در شهر سنج با مشکل مواجه شده و الگوی هویت انسان سکولار به‌منزلهٔ جایگزین ارائه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

منشور تربیتی نسل جوان که سیمای کامل زندگی جوانان را در عرصه‌های چهارده‌گانه در زمینه‌های فزاینده دینی، تکالیف فردی و روابط اجتماعی در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به‌شکلی گسترده ترسیم کرده است، در قالب بخش‌نامهٔ اجرایی به همهٔ سازمان‌ها و نهادهای دولت ابلاغ شده است. مطابق آنچه در تحلیل گفتمان، راه‌برد ایدئولوژیک گفتمان از طریق استفاده از قطبی‌سازی نامیده می‌شود، به بررسی تقابلهای دوگانه‌ای پرداختیم که گفتمان متن آنها را در دو قطب «ما» و «آنها» برساخته و از این طریق به برجسته‌سازی قطب «ما» در برابر قطب «آنها» اقدام کرده است. کارکرد این دوقطبی‌سازی‌ها، برجسته‌سازی و

آرمانی کردن قطب «ما» و نفی و طرد قطب «آنها» به گونه‌ای ایدئولوژیک است، به طوری که موافقان گفتمانی حفظ و تقویت می‌شوند و مخالفان گفتمانی سرکوب و از میدان به‌در می‌شوند. متن، از طریق گزینش واژگان و ترکیبات واژگانی، جنبه‌های مثبت را در تقابل با جنبه‌های منفی برجسته می‌کند و به این ترتیب، فرآیند سیاسی غیریت‌سازی را رقم می‌زند. هویت برساخته این سازوکارهای استعاری و واژگانی، هویتی مطلق‌انگار و ایدئولوژیک است که جامعه را از نگاه دوقطبی خیر و شر تفسیر می‌کند و از این طریق سلطه گفتمان حاکم را بازتولید می‌کند. سازوکارهای این متن پدیده جوانی را نه به مثابه فرصت، بلکه به چشم تهدید می‌نگرد و از همه توش و توان استعاری و معنایی خود بهره می‌گیرد تا از طریق راهبردهای ایدئولوژیک، تهدید جوانی را منکوب و هویت هم‌نوای آن را بازتولید کند.

نتایج بخش دوم پژوهش حاکی از آن است که گفتمان هویت جوانان مبتنی بر فاصله‌گیری از هویت ملی ایرانی و برجسته‌سازی هویت قومی گردی است. موضع گفتمانی هویت جوانان در بعد ملی، موضع توافقی و معارض است، به طوری که در بعد توافقی، برخی از نشانه‌های هویت ملی را می‌پذیرند و در هویت قومی خود ادغام می‌کنند، اما در موضع معارض، به نفی کامل این نشانه‌ها می‌پردازند. بینامتنیت بعد ملی گفتمان هویتی جوانان با ایدئولوژی‌های سیاسی از قبیل ناسیونالیسم و سوسیالیسم و مفاهیم مدرن حقوق بشر و حق تعیین سرنوشت است. بعد قومی هویت اجتماعی جوانان مبتنی بر برجسته‌سازی عناصر مربوط به هویت قومی است. راهبردهای ایدئولوژیک در بعد قومی هویت اجتماعی جوانان آشکارتر و موضع گفتمانی هویتی جوانان در این زمینه موضع معارض است. دال‌های مرکزی بعد قومی هویت اجتماعی جوانان زبان گردی، آموزش به زبان مادری، و حقوق سیاسی و فرهنگی است. موضع گفتمانی هویت جوانان در بعد مذهبی موضعی توافقی و مذاکره‌ای است. بینامتنیت گفتمان هویت جوانان در بعد مذهبی با گفتمان‌های روشنفکری دینی و نیز سکولاریسم است. دال‌های مرکزی گفتمان هویت جوانان در بعد مذهبی، جدایی دین از سیاست، مذهب شخصی در عرصه خصوصی، و اعتقاد به خداست.

عناصر گفتمانی پیش‌گفته در قالب گفتمان‌های دردسترس جوانان شهر سنندج و در تقابل و رقابت با گفتمان هویت رسمی، با حضور در نظم گفتمان هویتی جوانان، فرآیندی گفتمانی را در جهت فراخواندن جوانان و برساخت گفتمان هویتی آنها پی می‌گیرند. نتیجه نهایی نشان می‌دهد که جوانان شهر سنندج از مواضع گفتمانی و سوژگانی گفتمان‌های دردسترس استفاده می‌کنند و به مواجهه و مقاومت نشانه‌شناسانه و عملی در برابر گفتمان هویتی حاکم می‌پردازند؛ بدین معنی که جوانان در فرآیندی گفتمانی و با استفاده از راهبردهای نمادین و عملی در

عرصه‌های مختلف زندگی روزمره، معنای مرجح گفتمان رسمی حاکم درباب هویت جوانان را واسازی و با ارائه گفتمانی جایگزین در برساخت هویت اجتماعی خود مشارکت می‌کنند. خلاصه اینکه، گفتمان هویتی حاکم، هویت اجتماعی جوانان را در چارچوب‌هایی آرمان‌گرایانه و مبتنی بر ایدئولوژی حاکمیت تعریف می‌کند. این گفتمان هویتی، اگرچه کارکردهای انسجام‌بخشی برای جذب و هم‌بستگی جوانان با نظام مسلط دربردارد، به استلزامات هویتی جوانان در عصر حاضر کمتر توجه کرده و فاصله جوانان را از الگوهای نگرشی و رفتاری نظام حاکم بیشتر کرده است؛ بنابراین، لازم است سیاست‌گذاری‌های رسمی درباب جوانان محدودیت‌های دسترسی گفتمانی جوانان را از میان بردارد و طرح‌ها و برنامه‌هایی مبتنی بر تنوع و تکثر معنایی ارائه دهد. هرچه بافت اجتماعی موقعیت، یعنی اوضاع اجتماعی و سیاسی در ایران، محدودیت بیشتری برای جوانان قائل باشد، واکنش گفتمانی آنها به نظام هویتی حاکم از خوانش مبتنی بر موافقت و مذاکره فاصله می‌گیرد و به سمت مخالفت و معارضة میل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بعد قومی هویت اجتماعی جوانان شهر سنندج در برساخت هویت آنها از موقعیتی مسلط برخوردار است. این بعد هویتی در معارضة با گفتمان هویتی حاکم نیز قرار گرفته است.

منابع

- احمدی، یعقوب (۱۳۹۰) رویکردهای قومی و گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی؛ مطالعه موردی: شهر سنندج، تحقیقات فرهنگی، سال چهارم، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۴ (پیاپی ۱۶)، صص ۲۵۶-۲۲۹.
- استریناتی، دومینیک (۱۳۸۴) نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک‌نظر، تهران: گام‌نو.
- استوری، جان (۱۳۸۶) مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، تهران: آگاه.
- اشتراوس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۴) مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، تهران: نی.
- آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵) تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- آلتوسر، لویی (۱۳۸۷) ایدئولوژی و سازوبرگ‌های ایدئولوژیک دولت، ترجمه روزبه صدرآرا، تهران: چشمه.
- بارکر، کریس (۱۳۸۷) مطالعات فرهنگی، ترجمه مهدی فرجی و کریس بارکر، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بنت، اندی (۱۳۸۸) فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلا جوافشانی، تهران: نشر اختران.
- بودریار، ژان (۱۳۹۰) جامعه مصرفی، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: ثالث.
- بوژمهرانی، حسن و مهدی پوراسلامی (۱۳۹۳) «تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر کردهای ایران»، جهان اسلام، دوره اول، شماره ۴: صص ۸۷-۱۱۰.

- جنکینز، ریچارد (۱۳۹۱) *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج باراحمدی، تهران: شیرازه.
- جیمسون، فردریک (۱۳۸۹) *پست مدرنیسم (منطق فرهنگی سرمایه‌داری متأخر)*، ترجمه مجید محمدی، فرهنگ رجایی و فاطمه گیوه‌چیان، تهران: هرمس.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۷) «نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، شماره ۳ و ۴: صص ۱۶۴-۱۴۳.
- رضاپور، ابراهیم و فردوس آفاگل‌زاده (۱۳۹۱) «نقش استعاره در برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی روزنامه‌های داخلی»، *زبان پژوهی*، دانشگاه الزهراء، سال چهارم، شماره ۷: ۶۷-۹۴.
- رضایی، محمد (۱۳۸۴) بحران در بازتولید هژمونی از طریق گفتمان مدرسه، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- رضایی، محمد (۱۳۸۶) *مطالعات فرهنگی: دیدگاه‌ها و مناقشات*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- رضایی، محمد (۱۳۸۷) *ناسازم‌های گفتمان مدرسه (تحلیلی از زندگی روزمره دانش‌آموزی)*، تهران: جامعه و فرهنگ.
- سلطانی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۸۴) *قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی)*، تهران: نی.
- غلامپور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۲) تاثیر ساختار سیاست‌گذاری فرهنگی در بحران هویت، نامه پژوهش فرهنگی، سال هشتم، دوره جدید، شماره ۸، صص ۱۲۶-۹۹.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۹۵) «تحلیل گفتمان انتقادی»، ترجمه سمیه شوکتی‌مقرب، در: *تحلیل گفتمان سیاسی: امر سیاسی به مثابه یک برساخت گفتمانی*، تهران: تیسرا.
- فکوهی، ناصر و مجنون آموسی (۱۳۸۸) «هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران؛ مطالعه موردی معیشت اقتصادی و تعلق‌های هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیررسمی پیرانشهر»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، شماره ۲: صص ۷۵-۴۹.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷) *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- قادرزاده، امید (۱۳۸۸) *هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق*، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- کاظمی، عباس و ابراهیم محسنی آهویی (۱۳۸۷) *تبعیض سنی: ارزیابی گفتمان سیاست فرهنگی در هویت‌بخشی به جوانان ایرانی*، نامه علوم اجتماعی، بهار ۱۳۸۷، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۳۳، صص ۵۳-۲۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) *تجدد و تشخص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- لکلانو، ارنستو و شانتال موفه (۱۳۹۲) *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی*، ترجمه محمد رضایی، تهران: ثالث.

- محمدپور، احمد (۱۳۹۲) روش تحقیق کیفی ضدروش، تهران: جامعه‌شناسان.
- مرشدی‌زاد، علی و همکاران (۱۳۸۹) «بازنمایی هویت ملی و قومی در نشریات دانشجویی کردزبان»، *مطالعات سیاسی*، سال دوم، شماره ۸: صص ۷۵-۱۰۱.
- مقدس‌جعفری، محمدحسن و همکاران (۱۳۸۷) «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد (مطالعه موردی: دانشگاه پیام‌نور سقز)»، *مطالعات ملی*، سال نهم، شماره ۱: صص ۷۵-۹۸.
- منشور تربیتی نسل جوان (۱۳۷۳) دسترسی در: <http://www.rasekhoon.net/article/show-33098.aspx> تاریخ دسترسی: ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶.
- وان‌برونسن، مارتین (۱۳۷۹) *آغا، شیخ و دولت: ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردستان*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: پانید.
- هال، استوارت (۱۳۸۶) «چیستی هویت‌های فرهنگی»، ترجمه سیاوش قلی‌پور، زریبار، سال یازدهم، شماره ۱۰: ۱۶۷-۲۱۶.
- هال، استوارت (۱۳۹۱) *معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی*، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران: نی.
- هوراث، دیوید (۱۳۷۷)، نظریه گفتمان، ترجمه سید علی‌اصغر سلطانی، فصل‌نامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۵۶-۱۸۳.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹) *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- Benwell, Bethan and Elizabeth Stokoe (2007) *Discourse and Identity*, Published in Great Britain, London.
- Gelpi, Donald L (2008) *The Gracing of Human Experience: Rethinking the Relationship between Nature and Grace Paperback*, Wipf & Stock Pub.
- Laclau, E and Mouffe, CH (2002) "Recasting Marxism: Hegemony and New Political Movements", In: Antonio Gramsci: *Critical Assessments of Leading Political Philosophies*, (ed) by James Martin, Routledge.
- Laclau, E. and Mouffe, ch (1985) *Hegemony and Socialist strategy: Towards a Radical Democratic Politics*, London: Verso.
- Mac G. C., Diarmait (2004) *Language, Identity and Conflict*. London and newyork: Routledge.
- Morely, D (1994) *Television, Audiences and Cultural Studies*, Routledge.
- Morely, D (1999) *Family Television*, London: Routledge.
- Olson, Robert (1996) *The Kurdish Nationalist Movement in The 1990s*, The University Press of Kentucky.
- Sheyholislami, Jaffer (2011) *Kurdish Identity, Discourse, and New Media*, New York: Palgrave Macmillan.
- Smith, Dorothy .E (2005) *Institutional Ethnography: A Sociology for People*, Alta Mira Press.